

دامبلدور نمرده

تمامی این دلایل برای اثبات اینکه که دامبلدور نمرده و تمام اتفاقات نقشه ای بوده که توسط دامبلدور کشیده شده بود. البته تک تک این دلایل به تنهایی قانع کننده نیست اما اگه همه را با هم در نظر بگیرید، اون وقت...

* صفحات بر اساس نسخه امریکایی / انگلیسی هستند.

۱- نا امیدی بزرگ دامبلدور

هری به همراه دامبلدور در بالای برجی بودند که علامت شوم اونجا بود. هری شنل نامریی را پوشیده بود که دامبلدور دستور داده بود قبل از رسیدن به برج اونو بپوشه. هری صدای پاهایی را شنید و به اطراف نگاه کرد اما دامبلدور با حرکتی به او گفت که عقب برود. هری چوبدستی اش را بیرون کشید و به دیوار پشتش چسبید.

The door burst open and somebody erupted through it and shouted, "Expelliarmus!" Harry's body became instantly rigid and immobile, and he felt himself fall back against the tower wall, propped like an unsteady statue, unable to move or speak. (HBP pg ۵۸۴/۵۴۵)

جالب اینجاست که تمام این اتفاقات به سرعت می افته و خود هری هم گیج می شه.

He could not understand how it happened -- Expelliarmus was not a Freezing Charm -- Then, by the light of the Mark, he saw Dumbledore's wand flying in an arc over the edge of the ramparts and understood... Dumbledore had wordlessly immobilized Harry, and the second he had taken to perform this spell had cost him the chance of defending himself. (HBP pg ۵۸۴/۵۴۵)

چرا دامبلدور هری را Freeze (منجمد) کرد؟ هری که زیر شنل نامریی بود و از خطر در امان بود. تنها توجیهی که میشه ارائه داد، اینکه که دامبلدور از قبل برنامه ای برای مرگ خودش داشته (تا به نظر بیاد که مرده) و نمی خواست که هری صدمه ببینه برای اینکه هری باید شاهد ماجرا می بود و به همه می گفت که دامبلدور مرده.

شاید هم دامبلدور به اسنیپ قول داده باشه که هری مداخله نکنه چون هم حس هری نسبت به اسنیپ را می دونست و هم اینکه می دونست اسنیپ باید چه کار کنه. تنها حدسی که در مورد Freeze شدن هری میشه زد، اینه که دامبلدور حتی بدون فکر کردن، هری را Freeze کرد... از اینجا می شود نتیجه گرفت که دامبلدور از قبل این برنامه را داشته است. هری پیش خود فرض کرد که دامبلدور این طلسم را انجام داده است و اینکه طلسم قوی تر شده بود هنگامی بود که دامبلدور از برج خارج شد.

۲- بیاید همه با هم مرگ را بازی کنیم.

هنگامی که دامبلدور با دراگو صحبت می کرد به دراگو راه جالبی نشان داد.

"I can help you, Draco."

"No, you can't," said Malfoy, his wand shaking very badly indeed. "Nobody can. He told me to do it or he'd kill me. I've got no choice."

"He cannot kill you if you are already dead. Come over to the right side, Draco, and we can hide you more completely than you can possibly imagine." (HBP pg ۵۹۱/۵۵۲)

دامبلدور پیشنهاد داد که از محافظت مادر مالفوی کند تا هنگامی که پدرش لوسیوس از آزکابان خارج شود. این خیلی جالبه. دامبلدور میگه که راهی رو بلده که می تونه نشون بده دراگو مرده در حالی که چنین نیست. آیا این همان راهی نیست که دامبلدور برنامه آن را داشت؟

نسخه انگلیسی، قسمت مهمی از متن را ندارد.



افشاگری بزرگ:

نسخه انگلیسی، قسمتی از متن که برای دلایل ما بسیار مهم می باشد را ندارد!
نسخه انگلیسی متن:

"He told me to do it or he'll kill me. I've got not choice."

"Come over to the right side, Draco, and we can hide you more completely than you can possibly imagine. What is more, I can send members of the Order to your mother tonight to hide her likewise. Your father is safe at the moment in Azkaban...when the time comes we can protect him too...come over to the right side, Draco...you are not a killer..." Malfoy stared at Dumbledore. (HBP UK Edition pg ۵۵۲)

نسخه امریکایی متن (قسمت های حذف شده زرد رنگ است):

"He told me to do it or he'll kill me. I've got no choice."
"He cannot kill you if you are already dead. Come over to the right side Draco, and we can hide you more completely than you can possibly imagine. What is more, I can send members of the Order to your mother tonight to hide her likewise. Nobody would be surprised that you had died in your attempt to kill me -- forgive me, but Lord Voldemort probably expects it. Nor would the Death Eaters be surprised that we had captured and killed your mother -- it is what they would do themselves, after all. Your father is safe at the moment in Azkaban... When the time comes we can protect him too. Come over to the right side, Draco... you are not a killer..." Malfoy s at Dumbledore. (HBP US Edition pg ۵۹۱)

هر دو متن این مفهوم را می رسانند که دراکو باید از دید ولدمورت مخفی بشه انگار که مرده است. آیا امکان دارد که رولینگ این متن را در نسخه اصلی آورده باشه و بعد متوجه شده که اشتباه کرده و دلیل خوبی به ما داده و این قسمت را حذف کرده باشه ولی اتفاقی در نسخه امریکایی چاپ شده باشه؟

۳- فوکس هیچ تلاشی برای محافظت از دامبلدور نکرد.

ما دیدیم که فوکس در آخرین لحظات به کمک هری آمد و در تالار اسرار هری را نجات داد:

As Harry trembled, ready to close his eyes if it turned, he saw what had distracted the snake. Fawkes was soaring around its head, and the basilisk was snapping furiously at him with fangs long and thin as sabers -- Fawkes dived. His long golden beak sunk out of sight and a sudden shower of dark blood spattered the floor. (CoS pg ۳۱۸/۲۳۴)

و همچنین دامبلدور را:

...One more jet of green light had flown at Dumbledore from Voldemort's wand and the snake had struck -- Fawkes swooped down in front of Dumbledore, opened his beak wide, and swallowed the jet of green light whole. He burst into flame and fell to the floor, small, wrinkled and flightless. (OoP pg ۸۱۴/۷۱۹)

می دونیم که فوکس در اطراف برج بوده چون بعد از مرگ دامبلدور خودش را نشون داده. پس چرا این بار به کمک دامبلدور نیامده بود تا جون اونو نجات بده؟
من فکر می کنم که دامبلدور خودش نمی خواست زندگی اش حفظ شود؛
و این حرف، تئوری ای را که همه ی اینها نقشه دامبلدور بوده را تایید می کنه. یعنی دامبلدور خودش می خواست که اون شب بالای برج بمیره.

۴- طلسم آواداکداورا Avada Kedavra

وقتی که به طور دقیق قسمتی که اسنیپ دامبلدور را کشت میخوندم، یه چیز عجیبی تو ذهنم بود که زیاد بهش توجه نکردم... اما بعدش این اولین قسمتی بود که باعث شد فکر کنم دامبلدورنمرده.

ما در قسمت های قبل دیدیم که طلسم آواداکداورا باعث مرگ آنی و افتادن فرد روی زمین می شه:

He was screaming so loudly that he never heard the words the thing in the chair spoke as it raised a wand. There was a flash of green light, a rushing sound, and Frank Bryce crumbled. He was dead before he hit the floor. (GoF pg ۱۰/۱۹)

From high above his head, he heard a high, cold voice say, "Kill the spare."
A swishing noise and a second voice, which screeched the words to the night: "Avada Kedavra!"
A blast of green light blazed through Harry's eyelids, and he heard something heavy fall to ground beside him. Cedric was lying spread-eagled on the ground beside him. He was dead. (GoF pg ۱۳۸/۵۰۳)

به هر حال وقتی اسنیپ از این طلسم علیه دامبلدور استفاده کرد دامبلدور به هوا پرتاب شد و از برج پایین افتاد.

Snape raised his wand and pointed it directly at Dumbledore. "Avada Kedavra!" A jet of green light shot from the end of Snape's wand and hit Dumbledore squarely in the chest. Harry's scream of horror never left him; silently he was forced to watch as Dumbledore was blasted into the air. For a split second, he seemed to hang suspended beneath the shining skull, and then he slowly fell backward, like a great rag doll, over the battlements and out of sight. (HBP pg ۵۹۶/۵۵۶)

چرا این طلسم نسبت به دفعات قبلی که آن را دیدیم متفاوت عمل کرد؟

شاید طلسمی که اسنیپ به کار برد متفاوت بوده. توجه داشته باشید که کل اشاره کتاب روی طلسم های بی کلامه. پس ممکنه اسنیپ گفته باشه آواداکداورا اما طلسمی که در ذهنش بوده این نبوده فقط طلسمی بوده که باعث می شده دامبلدور مرده به نظر بیاد. هیمن طور عنوان فصل هم مشکوک به نظر میاد: **The Lightning-Struck Tower** و این همون چیز بدشگونی هست که تریلانی در صفحه ۵۴۳ در فصل بیست و پنج به اون اشاره کرده پس اسنیپ در این قسمت از طلسم آواداکداورا استفاده نکرده فقط یه نوع طلسم بوده که نور سبز رنگ ایجاد می کنه.

۵- اتفاقی نمی افته مگر اینکه بخواهی.

در محفل ققنوس ما یه چیز جالب از بلاتریکس شنیدیم هنگامی که هری اونو طلسم کرد:

Hatred rose in Harry such that he had never known before. He flung himself out from behind the fountain and bellowed "Crucio!" Bellatrix screamed. The spell had knocked her off her feet, but she did not writhe or shriek with pain as Neville had -- she was already on her feet again ...
-"Never used an Unforgivable Curse before, have you, boy?" she yelled. "You need to mean them, Potter! You need to really want to cause pain -- to enjoy it ..."
(OoP pg ۸۱۰/۷۱۰)

اگه اسنیپ داشته واسه دامبلدور کار می کرده که به نظر مرده بیاد، به جهان می گفت که دامبلدور مرده؛ انگار اسنیپ اونو کشته؛ و اگه اسنیپ ذره ای فکر می کرد که نمیخواه اونو بکشه طلسم دامبلدور رو نمی کشت اما شاید اونو بد جوری زخمی می کرد.

۶- سوگواری ققنوس

دقیقا بعد از مرگ دامبلدور هنگامی که همه در درمانگاه جمع شده بودند و هری می گفت که اسنیپ چگونه دامبلدور را کشته، اتفاق مهمی افتاد:

Madame Pomfrey burst into tears. Nobody paid her any attention except Ginny, who whispered, "Shh! Listen!" (HBP pg ۶۱۴/۵۷۳)

همه اونجا بودند. رون و خونواده‌ش، هرمیون، لوپین و تانکس اما مادام پامفری اینو قضیه رو میگه:

Gulping, Madame Pomfrey pressed her fingers to her mouth, her eyes wide. Somewhere out in the darkness, a phoenix was singing in a way Harry had never heard before; a stricken lament of terrible beauty. (HBP pg ۶۱۴/۵۷۳)

رولینگ یه پاراگراف دیگه هم در مورد آواز ققنوس می نویسه، در حالی که داره به نکته ای اشاره می کنه:

Harry felt, as he had felt about the Phoenix song before, that the music was inside him, not without ... How long they stood there, listening, he did not know, nor why it seemed to ease their pain a little to listen... (HBP pg ۶۱۵/۵۷۳)

هنگامی که مک گوناگال وارد می شه موضوع عوض میشه و آواز فراموش میشه. بعد از تعریف ماجرا با مک گوناگال، رولینگ دوباره به آواز ققنوس اشاره می کنه که کماکان در حال پخش شدن در فضاست:

They all fell silent. Fawkes's lament was still echoing over the dark grounds outside. (HBP pg ۶۲۱/۵۷۹)

فوکس هر کاری که داشت می کرد سخت مشغول همون کار بود...

...و ققنوس فقط غم اندوه بقیه را نمایش می داد همان طور که از عنوان فصل انتظار می ره.

آیا فراموش کرده‌اید که اشک ققنوس خاصیت درمانی دارد؟

این مادام پامفری بود که اشک بر چشمانش نشست. او قدرت درمانی ققنوس رو می دونست و برای همین

به یه موضوع عجیب پی برد.

رولینگ یه مشکل دیگه هم داشت، اونم این بود که هری اونو از داخل خودش احساس می کرد،

همون طوری که دفعه قبل توسط اشک ققنوس درمان شده بود. و همچنین درد هایش را کاهش می داد.

به هر حال این متن می خواست بگه که فوکس در حال گریه کردن بوده و می خواسته کسی رو درمان کنه. شاید ققنوس نتونه کسی رو از آواداکداورا نجات بده ولی اگه دامبلدور با یه طلسم آواداکداورا واقعی رو به رو نشده بود و با یه طلسم دیگه که اون رو مرده نشون بده، (همان طور که در بالا اشاره شد)، اونوقت چی؟

۷- کسی چوبدستی دامبلدور را ندید.

اولین چیزی که در شب حادثه اتفاق افتاد خارج شدن چوبدستی دامبلدور از دستش بود:

The door burst open and somebody erupted through it and shouted, "Expelliarmus!" ... by the light of the Mark, he saw Dumbledore's wand flying in an arc over the edge of the ramparts ... (HBP pg ۵۸۴/۵۴۵)

اما الان چوبدستی اش کجاست؟

می دونیم که چوبدستی یه جادوگر خیلی براش مهمه. پس جادوگری به قدرت دامبلدور، خیلی براش مهمه چوبدستیش دست آدم های بد نیفته!

ممکنه خیلی چیزا در این مورد ندونیم اما یه چیزی می دونیم. پنج فصل پیش هنگامی که هری و اسلاگهورن به هاگرید در مورد مرگ آراگوگ دلداری می دادند شعری در مورد جادوگری به نام Odo می خونند:

And Odo the hero, they bore him back home, To the place that he'd known as a lad, They laid him to rest with his hat inside out And his wand snapped in two, which was sad. (HBP pg ۴۸۸/۴۵۶)

اما تا اونجایی که می دونیم، هیچ کس چوبدستی دامبلدور را تکه تکه نکرد. بعد از اون صحنه بالای برج، دیگه به چوبدستی دامبلدور هیچ اشاره ای نشد. پس چوبدستی دامبلدور به خاطر این گم شده که هنوز تو دست خودشه و اینکه چون هنوز زندهس به چوبدستیش احتیاج داره!

۸- نه جسدی، نه گریه ای

تنها وقتی جسد دامبلدور را دیدیم که چند لحظه بعد از مرگش روی زمین افتاده بود و هری کنارش زانو زده بود. هاگرید جسد دامبلدور را در قبری گذاشته بود که درش بسته بود. (در تابوت)

Hagrid was walking slowly up the aisle between the chairs. He was crying quite silently, his face gleaming with tears, and in his arms, wrapped in purple velvet spangled with golden stars, was what Harry knew to be Dumbledore's body. (HBP pg ۶۴۳/۵۹۹)

ما هیچ وقت جسد دامبلدور را در مراسم خاکسپاری ندیدیم. چه جوری مطمئن باشیم که اون اونجا بوده؟!

۹- ارتباط دامبلدور با آتش

توجه: ← دامبلدور سوختنی بود.

در قسمتی از مراسم دور بدن دامبلدور را آتش فرا می گیرد و وقتی ناپدید می شود دامبلدور در یک مقبره سفید قرار گرفته بود.

باز هم ما بدن دامبلدور را نمی بینیم. اما مهم تر از اون هیچ کسی آتش را روشن نکرده بود. خود به خود روشن شده بود. بدن دامبلدور همینطوری آتش گرفت. شبیه چه کسی؟
ما فوکس را دیدیم که چندین بار این کار را کرده و می دونیم که چه اتفاقی برای فوکس بعد از اون می افته. در قسمت های دیگر دیدیم که دامبلدور چندین بار از آتش استفاده کرده است که سمبل ققنوس است:

۱- دفعه اول که تام ریدل را دید برای اثبات اینکه جادوگر است، رختکن لباس او را آتش زد.

۲- برای محافظت از خودش و هری در غار، از آتش استفاده کرد.

و اگر ما اشاره به فوکس را نگرفته باشیم، رولینگ اینجا هم اشاره کرده است:

White smoke spiraled into the air and made strange shapes: Harry thought, for one heart-stopping moment, that he saw a phoenix fly joyfully into the blue, but next second the fire had vanished. (HBP pg ۶۴۵/۶۰۱)

همه اینها نشون میده که اگه دامبلدور واقعا مرده باشه، این قابلیت را داره که از خاکستر مرگش

دوباره زنده بشه.

یا با قدرت خودش و یا با قدرت درمانی فوکس.

۱۰- می دونین که دامبلدور و اسنیپ هر دو می تونستن که ذهن رو بخونن و هنگامی که اسنیپ وارد شد، دامبلدور صدایش زد و هر دو برای مدتی به هم نگاه کردند. (می تونستن از طریق ذهن حرف زده باشن.) بعد از اون، دامبلدور به اسنیپ گفت:

"Severus... Please....."

دامبلدور کسی نیست که بخواد التماس کنه. بلکه از اسنیپ میخواست که اونو بکشه چون اگه این کارو نمی کرد، خود اسنیپ می مرد (به خاطر پیمان وفاداری که با بلاتریکس و نارسیسا بسته بود.) و شخص دیگه‌ای دامبلدور را می کشت. در نتیجه قبلا دامبلدور به اسنیپ دستور داده بود در این شرایط اون کارو بکنه.

۱۱- بعد از قضیه کشته شدن دامبلدور، هنگام جدال هری با اسنیپ، اسنیپ هری رو نکشت بلکه به او نصیحت کرد که ذهنشو ببند و یاد بگیره ورد ها رو آروم بگه تا موفق بشه.

۱۲- وقتی که یه مرگ خوار خواست به هری حمله کنه اسنیپ جلوشو گرفت.

پس میتونیم نتیجه بگیریم که:

۱- اسنیپ به دستور دامبلدور اون کارو کرده.

۲- اسنیپ آدم خوبی بوده.

۳- اگه دامبلدور تو کتاب بعدی نباشه (یعنی خودشو مخفی کرده باشه)، این اسنیپه که مخفیگاه

ولدمورت رو به هری نشون میده.

